

متن پرسش

سلام علیکم: ۱. بنده یه دوران خیلی خوبی داشتم. حدوداً ماه ذی الحجه و محرم پارسال. (به طوری که شهریور ۹۸ دوبار توفیق زیارت امام رضا (ع) داشتم و بیشتر شبها نماز شب می‌خواندم. اشک و آه و دل‌تنگی هم بود) اما الان نه نماز شبی هست، نه آه و سوزی و نه زیارتی. چندین هفته هست که حسرت آن روزها را می‌خورم و خاطرات را مرور می‌کنم. اما هنوز نفهمیدم که چرا به این حال و روز افتاده‌ام. وظیفه‌ی من در این حال چیست؟ و چگونه به آن دوران برگردم؟ ۲. هر از گاهی هم خوب باشم به دو سه روز نرسیده باز هم به روزمرگی و غفلت برمی‌گردم. و بررسی کردم و به این نتیجه رسیدم که شاید وقتی آدم خوبی هستم مغرور و معجب می‌شوم و خداوند برای اینکه دلم شکسته باشد توفیقی ازم سلب می‌کند. اگر مرا جهت داشتن دلی شکسته و از بین بردن عجب راهنمایی کنید بسیار ممنون میشم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به گفته‌ی حضرت علی «علیه‌السلام» در حکمت ۲۲ نهج البلاغه می‌فرمایند: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ» این دل، مثل فصول چهارگانه است، یعنی مثل زمان که گاهی بهاری دارد و گاهی پاییزی، گاهی اقبالی دارد و گاهی ادباری. اگر دل در حالت بهار بود، شکوفایی و اقبال داشت، از نوافل نگذرد، سعی کنید، نافله‌ها را ترک نکنید و اگر دل، آن آمادگی را ندارد، شما بر دل تحمیل نکنید و فقط واجب‌ها را انجام دهید، نگویند حتماً نماز شب بخوانم چرا که آن نماز شبی که با ادبار دل همراه است، با کراهت آمیخته است و کمتر انسان، توفیق پیدا می‌کند، لذا حضرت فرمود: دل خود را نرنجانید و با دل کنار بیایید. موفق باشید